



سر مشق‌های زنده‌ی تبلیغات

• آیت‌الله حاج آقا حسن امامی

دهند. شاید آن‌ها بترسند.»

شغل طلاب علوم دینی شغل انبیا است. هدف از تفقه در حوزه‌های علوم دینی باید تبلیغ و انداز قوم باشد تا مردم تحت تأثیر همین تبلیغات ساخته شوند.

از آن‌جا که حرکت تبلیغی ما، ادامه‌ی حرکت تبلیغی انبیای الهی است باید روش انبیا را در تبلیغ دین، الگوی خویش قرار دهیم.

خداوند متعال برنامه‌های تبلیغی انبیا را در قرآن کریم منعکس کرده است و ما می‌توانیم شیوه‌های تبلیغ را از قرآن فرا گیریم. به عنوان نمونه اولین آیات وحی در غار حرا بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد، که:

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾^۲

اشاره:

نوشته‌ی حاضر متن سخنرانی حضرت آیت‌الله حاج آقا حسن امامی است که در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۲۰ در مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان ایراد شده است و با اندکی تلخیص و تبدیل از زبان گفتاری به نوشتاری، به محضر خوانندگان گرامی تقدیم می‌گردد.

مقدمه

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾^۱

چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را بیم

خداوند متعال با اولین آیات وحی به پیامبرش می‌آموزد که مسأله‌ی دین بر مبنای علم است و پیامبری که می‌خواهد دین را تبلیغ کند، ابتدا باید قرائت و خواندن را تمرین کند.

پیامبر اکرم ﷺ پس از دریافت اولین فرزهای وحی خسته و کوبیده به سوی خانه روانه می‌شود. غار حرا در دامنه‌ی کوه صعب العبوری است و پایین آمدن از آن پیامبر را خسته کرد. وقتی به خانه می‌رسند، می‌خواهند تا قدری بیاسایند. جبرئیل امین نازل می‌شود و اولین آیدهای سوره‌ی مدثر را برای او قرائت می‌کند. این آیات، برنامه‌ی بیست و سه سال تبلیغ پیامبر اکرم ﷺ است. فرامین شش‌گانه‌ی مطرح شده در این سوره، همیشه سرمشق‌های زنده‌ای برای تبلیغات دینی است. اینک فرامین شش‌گانه‌ی خداوند در رابطه با تبلیغ را به عنوان سرمشق‌های زنده‌ی تبلیغات مطرح می‌کنیم.

سرمشق‌های زنده‌ی تبلیغات

خداوند متعال در سوره‌ی مدثر می‌فرماید: «**يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿١﴾ قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿٢﴾** و رَبُّكَ فَكَبِّرْ ﴿٣﴾ و ثِيَابِكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾ وَالرَّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾ وَلَا تَمَنَّ أَنْ تَمُوتَ وَتَسْكَتَ ﴿٦﴾ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿٧﴾؛ ای جامه بر خود پیچیده! بر خیز و انذار کن و پروردگارت را بزرگ بشمار و

لباست را پاک کن و از پلیدی دوری کن و منت مگذار و فزونی مطلب و به خاطر پروردگارت شکیبایی کن.»

۱ - بسیج قوا

خداوند متعال در اولین دستور خود می‌فرماید: «**قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿١﴾**». گرچه کلمه‌ی قیام در لغت به معنای ایستادن است ولی منظور از کلمه‌ی قُمْ در این جا این نیست که الان پا شود و بایستند. انسان وقتی بخواهد کاری انجام دهد، باید تمام نیروهای خود را بسیج کند؛ مثلاً، در جنگ باید آنچه را در توان دارد، برای مبارزه با دشمن صرف کند. در رختخواب و به صورت نشسته نمی‌توان با دشمن جنگید. چون انسان در حالت خواب بر همه‌ی قوای خود تسلط ندارد. اگر نشست، مقداری از نیروها در اختیارش می‌آید. اگر ایستاد، بر تمام قوا مسلط شده و می‌تواند با دشمن بجنگد.

کلمه‌ی قُمْ اشاره به همین معنا دارد؛ یعنی، یا رسول الله اینک که می‌خواهی برای تبلیغ آماده شوی، باید تمام نیروهایت را بسیج کنی تا بتوانی وظیفه‌ی تبلیغ را به انجام رسانی.

۲ - انذار

وظیفه‌ی دوم انذار است. فرمود «**قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿١﴾**؛ بایست پس انذار کن.» انذار کنایه از تبلیغ است، زیرا تبلیغ مراحل دارد و اولین





مرحله‌اش انذار است. اگر بخواهیم روی یک تابلو که قبلاً چیزهایی ترسیم شده است، چیزی را ترسیم کنیم، باید اول نوشته‌ها و نقش‌های پیشین را پاک کنیم. با وجود آن‌ها نمی‌توان به هدف رسید. انبیای

الهی نیز اول باید انذار کنند تا به وسیله‌ی آن، مرحله‌ی تخلیه صورت گیرد و نوبت به مراحل تحلیه و تجلیه برسد. قرآن کریم درباره‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

﴿يَزْكِيهِمْ وَيُعَلِّمُهُم الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾^۲

بدون انذار تزکیه تحقق پیدا نمی‌کند و تا تزکیه نباشد تحلیه نمی‌شود. در ابتدا بهترین راه تبلیغ استفاده از شیوه‌ی انذار است، به صورتی که لرزه بر اندام مستمع اندازد. در این صورت پذیرش مستمع بیشتر خواهد شد.

برای تزریق آمپول به بدن، اول باید پوست بدن به وسیله‌ی سوزن شکافته شود. تا پوست شکافته نشود، امکان انتقال مواد به داخل رگ وجود ندارد. برای ورود موعظه به قلب شنونده نیز اول باید قلب او شکافته شود. تاگوینده، قلب شنونده را قبضه نکند. موعظه اثر نمی‌گذارد و یکی از از شیوه‌های قبضه کردن قلب مخاطب، انذار است.

مثلاً، اگر در شب‌های قدر بخواهد مردم را وادار به توبه کند، اول باید قدری آن‌ها را انذار کند و مسائلی از قبیل: مرگ، سكرات

مرگ، شب اول قبر، فشار قبر، جهنم، ملائکه‌ی غلاظ و شداد و ... را مطرح کرده و قلوب آن‌ها را آماده‌ی پذیرش بحث توبه کند، آن وقت موعظاش اثر می‌گذارد.

۳- روشنی هدف

امروزه دنیا، دنیای تبلیغات است و برای کارهای تبلیغاتی هزینه‌های فراوان می‌شود. به عنوان نمونه شهرداری برای تبلیغ از یک شغل یا یک کالا آن هم فقط روی یک تابلو در یک جای غیرحساس شهر، چهارصد هزار تومان دریافت می‌کند و اگر بخواهد در جای حساس شهر آن را نصب کند، میلیون‌ها تومان پول می‌گیرد. بسیاری از افراد این پول را می‌پردازند. این‌ها نشانه‌ی اهمیت تبلیغات در دنیای معاصر است.

مبلغ باید هدف خود را در تبلیغ روشن

● موفق‌ترین

مبلغین کسانی

بودند که با مردم

آمیخته بودند، در میان

مردم بودند و با

مردم معاشرت

داشتند.

کند و بدون هدف و یا با هدفی غلط
سرمایه‌ی عظیم تبلیغ را بر باد ندهد.

آیه‌ی شریفه «و ربك فكبر» هدف
تبلیغ را تبیین می‌کند. این آیه می‌خواهد به
پیامبر اکرم ﷺ بگوید که الان مردم در اثر
جهل، خدا را آن قدر پایین آورده‌اند که او را
در حد یک بت قرار داده و پرستش می‌کنند.
تو باید آن قدر کار کنی تا خدا را در نظر مردم
بزرگ جلوه دهی.

مردم تا به این دنیا چسبیده‌اند، رشد
نمی‌کنند. باید کاری کنیم که این دنیا و آنچه
که در آن است در نظر مردم بی‌ارزش باشد،
تا رشد پیدا کنند. باید کاری کرد که مردم

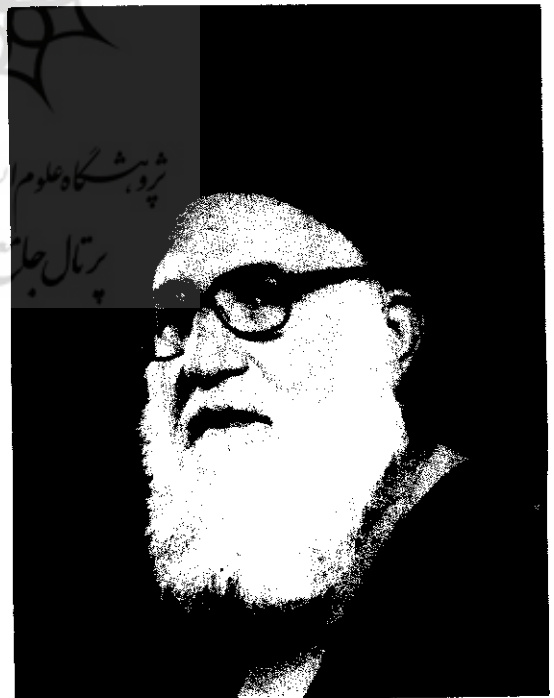
خدا را بزرگ بشناسند و تسلیم او شوند.
این که در هر جایی از نماز الله اکبر می‌گوییم
معنایش چیست؟ برای قرائت، رفتن به
رکوع، رفتن به سجده و... الله اکبر می‌گوییم.
معنایش این است که اعمالی که انجام
می‌دهیم، بر مبنای تسلیم الی الله است و تا
خدا را بزرگتر از همه چیز ندانیم آن حالت
تسلیم محض برای ما پیدا نمی‌شود.

هدف از تبلیغ توجه مردم به سوی
خداست و برای رسیدن به این هدف باید
خدا را بزرگ معرفی کرد تا مردم از غیر خدا
جدا شوند و به سوی خدا و معنویت هدایت
شوند.

۴- تواضع، شرط اساسی

یکی از شرایط اساسی مبلغ،
تواضع و فروتنی است. در ذیل
آیه‌ی شریفه‌ی «و ثيابك فطهر»
مفسرین فرموده‌اند: مردم خیلی
مستکبر بودند و این تکبرشان
بر اساس جهل بود. لباس‌هایشان
را خیلی بلند می‌دوختند. به
گونه‌ای که هنگام راه رفتن بد
زمین کشیده شده و آلوده
می‌گردید.

در همین زمان هم موارد مشابه
وجود دارد. زمانی که شاه معدوم
می‌خواست با فرح ازدواج کند،





پیراهنی در فرانسه برای فرح دوختند. وقتی آن را پوشید، نمی توانست راه برود. دو نفر می آمدند، یکی این طرف پیراهن و دیگری آن طرف پیراهن را بالا می گرفت تا او بتواند راه برود. این نحوه لباس پوشیدن برای اظهار بزرگی و عظمت بود.

خداوند متعال برای این که پیامبر اکرم ﷺ را متوجه مسأله‌ی تواضع کند، با کنایه می فرماید: «و ثيابك فطهر» یعنی باید کاری کنی که لباس آلوده نشود؛ یعنی، باید لباس هایت را کوتاه بگیری تا آلوده نشود و این کنایه از تواضع است.

کسی که می خواهد مردم را ارشاد و راهنمایی کند، باید مردمی باشد. برای مردمی شدن باید واقعاً با مردم آمیخته شد. تا مبلغ تواضع پیدا نکند، نمی تواند مردمی باشد و در آن ها اثر بگذارد. موفق ترین مبلغین کسانی بودند که با مردم آمیخته بودند، در میان مردم بودند و با مردم معاشرت داشتند.

۵- پرهیز از آلودگی

خداوند متعال در پنجمین دستور خود در آیه‌ی شریفه‌ی ﴿والرجز فاهجر﴾ پیامبر خویش را از آلودگی ها بر حذر می دارد. هر یک از آلودگی های فکری، اخلاقی و عملی موجب عدم موفقیت مبلغ در امر تبلیغ دین است. زیرا نقطه ضعف های عقیدتی،

اخلاقی و عملی، قوی ترین عامل برای خنثی کردن تبیغات است. اخلاق بد مبلغ موجب می شود زحماتش بر باد رود. عقیده‌ی انحرافی و یا عمل بد و معصیتی که از مبلغ سر می زند، نیز این چنین است.

این که می گویم انبیا و ائمه‌ی اطهار بایه عصمت داشته باشند و حتی سوء سابقه از طفولیت تا هنگام مرگ نداشته باشند «چه در گناه کبیره، و چه در گناه صغیره، چه به صورت عمدی یا سهوی» برای همین امر است.

حضرت موسی علیه السلام وقتی که می خواست، بد تبلیغ برود، فرمود: ﴿و لهم علی ذنب فأخاف ان یقتلون﴾^۴ خداوند به او فرمود: برای تبلیغ به سوی مصر حرکت کن. و او می خواهد بگوید خدایا! من یک سابقه دارم و نمی توانم آن جا بروم؛ من آدم کشته ام. ولو به حق کشته بود ولی می گوید می ترسم آن جا بروم و آن ها بخواهند قصاص کنند و من به هدف نرسم.

اتفاقاً وقتی حضرت موسی علیه السلام با فرعون مواجه شد، فرعون انگشت روی همین نقطه ضعف گذاشت و گفت: تو همان نیستی که آدم کشتی؟ وقتی فرعون می خواهد تبلیغات حضرت موسی را خنثی کند مسأله‌ی پرونده‌ی قتل آن قبطنی را مطرح می کند و این خیلی مهم است. البته حضرت

موسى عليه السلام گناهاركار نبود ولى
فرعون و اطرافيان او، او را گناهكار مى دانستند و
از اين فرصت استفاده مى كردند.

بايد بهترين و پاك ترين افراد در مسير
تبليغ گام بر دارند تا نقطه‌ي ضعفي از
گذشته خود در طول زندگي نداشته باشند.
كسي مى تواند در جامعه تبليغ كند كه بعنوان
فرد آلوده و منحرف شناخته نشده باشند.



● مبلغ بايد هدف خود را در
تبليغ روشن كند و بدون هدف
و يا با هدفى غلط سرمايه‌ي
عظيم تبليغ را بر باد ندهد.



۶- پرهيز از منت گذاشتن

در رابطه با آيه‌ي كريمه ﴿ولا تمنن تستكثر﴾ دو نكته قابل توجه است:

الف - منت گذاشتن بر مردم موجب
خشي شدن عمل است. قرآن كريم
مى فرمايد: ﴿ولا تبطلوا صدقاتكم بالمن
والاذى﴾^۵

اگر كسي صدقه بدهد و بعد از آن بر فقير
منت بگذارد، صدقه اش را بي اثر مى كند. اگر
مبلغ نيز مردم را ارشاد كرد و بر سر آنها منت
گذاشت، اثر تبليغات او خشي مى شود.

ب - يكي از چيزهائي كه انسان را از كار باز
مى دارد، اين است كه فكر كند به مرحله‌ي نهايي
رسيده است. مبلغ نبايد فكر كند كه كار مهمي
كرده است. او نبايد خدمات خودش را جنوه داده
و بگويد من چنين و چنان كردم. او نبايد فكر كند
كه به مرحله‌ي نهايي از خدماتي كه بايد انجام
مى داد رسيده است. زيرا هر مقدار كه انسان
تلاش كند، باز هم كم است. اگر انسان بار
مسئوليت را احساس كند، واقعاً مى فهمد كه
در مقابل آن مسئوليت خطير الهى كاري
نكرده است.

يك خاطره

علامه‌ي مجلسي ظرف ۶۳ سال عمر
خود خدمات بزرگي انجام داده است. او يك
دوره بحار را نوشت كه فقط خواندنش براي
مامشكول است تا چدر رسد به اين كه بخواهيم
جمع آوري كنيم، بخوانيم، بنويسيم و
تحقيق و ترجمه كنيم. سيد نعمت الله
جزايري مدت هشت سال در اصفهان بود و
در مدرسه‌ي خالصيه تدريس مى كرد.
علامه‌ي مجلسي رحمته الله بد حاج محمدتقي
دولت آبادي دستور داد براي تدريس سيد
نعمت الله جزايري اين مدرسه را بسازد.
قبل از اين كه اين مدرسه ساخته شود، سيد
نعمت الله جزايري در خانه‌ي علامه‌ي
مجلسي مشغول كار بود. سيد نعمت الله
مى گويد: «سد ساعت بعد از نيمه شب بود. صداي





در را شنیدم. فهمیدم کسی غیر از علامه‌ی مجلسی نیست. در را باز کردم. علامه وارد خانه شد و گفت: من در یک جمله از روایتی گیر کرده‌ام، نظر شما چیست؟»

وقتی انسان این کار شبانه روزی را می‌بیند، واقعاً احساس حقارت می‌کند. اگر شبانه روز تبلیغ کنیم، باید این احساس را داشته باشیم که هنوز هم کاری نکرده‌ایم.

رمز موفقیت

آخرین و مهم‌ترین دستور خداوند متعال بعد از مراحل شش‌گانه‌ی فوق سفارش به صبر و بردباری در راه خداست ﴿و لریک فاصبر﴾. تبلیغ دین کار سختی است و مشکلات عدیده‌ای دارد. نارسااحتی‌ها، خستگی‌ها و کوفتگی‌ها دارد و اگر صبر نباشد، کسی در مراحل ذکر شده موفق نیست. اگر انسان طاقتش کم شود، نمی‌تواند هیچ کدام از دستورات یاد شده را اجرا کند.

صبر در امر تبلیغ از میان انواع سدگانه‌ی صبر (صبر در طاعت، صبر در مصیبت، صبر در مصیبت) از نوع صبر بر طاعت خداوند است.

پیامبر اسلام ﷺ الگوی تبلیغ

پیامبر اسلام ﷺ دستورات الهی تبلیغ را در اولین فرازهای وحی گرفت و در طول بیست و سه سال آن‌ها را پیاده کرد. بر

ماست که تک‌تک آن‌ها را از لابلای حوادث و جرایانات زمان پیامبر اکرم ﷺ جست و جو کنیم. باید دید که آن بزرگ منادی توحید چگونه قیام کرد؟ چگونه انداز کرد؟ چگونه خدا را تکبیر کرد؟ و چگونه از پبیدی‌ها پرهیز نمود؟ او چگونه تواضع کرد؟ و چگونه برای اجرای این دستورات الهی صبر پیشه کرد؟ نحوه‌ی رفتار پیامبر اکرم ﷺ در طول مدت تبلیغ دینی‌اش برای ما الگوست.

﴿لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة﴾^۱ و برای شرح زندگانی پیامبر ﷺ بهترین سند خود قرآن است. تمام اعمال، برنامدها و دستورات خداوند به پیامبر اکرم ﷺ در قرآن منعکس شده است. باید دید خداوند به پیامبر اکرم ﷺ چه چیزی را نشان می‌دهد. دستورات الهی به پیامبر اکرم ﷺ در رابطه با تبلیغ چیست و شیوه‌ی پیاده کردن آن‌ها از سوی پیامبر اکرم چگونه است؟ کسده‌همه‌ی آن‌ها می‌تواند سر مشق‌های زندگانی برای تبنیفات ما باشد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- توبه/ ۱۲۲
- ۲- علق/ ۵- ۱
- ۳- جمعه/ ۲
- ۴- شعراء/ ۱۴
- ۵- بقره/ ۲۶۳
- ۶- احزاب/ ۲۱